

# کارگر

کارگران، در انجمن مستقل کارگری متحد شوید!

ارگان نشراتی انجمن اجتماعی کارگران افغانستان



ص ۱

اسد ۱۳۸۸

شماره دوم - سال اول

## بازار گرم انتخابات و کاندیدان بزک شده

در نظام سرمایه داری، این نوعی از قانون و مشروعيت دادن به حاکمیت است؛ که شهر وندان هر کشوری، هر ۴ و یا ۵ سال بعد، رئیس جمهور (ارباب) خود را برای کنکروں و سر برآهی کمیته (دولت) این سیستم برگزینند. اسم مشهور این نوعی از حاکمیت "دموکراسی" است. دموکراسی ای اصل نه زاده نظام سرمایه داری؛ بلکه مولود نازدانه نظام بردۀ داری بوده است. وقتی به متون فرهنگی مراجعه کنیم، این اصطلاح و نوعی از حکومت (دموکراسی) را چنین معنا کرده



اند: "حکومت مردم، بر مردم" و اما اگر این حکومت مردم، بر مردم را به زمان و مکان اصلی اش، یعنی به آن ۵۰۰ سال قبل از میلاد برگردانیم، مثلاً به پراخترینین حکومت آن زمان، که حکومت "پریکلس" باشد - حکومتی که نام دموکراسی کنیم، در آن دموکراسی از هر هفت نفر جمعیت، یک نفر از حقوق شهروندی برخوردار بود؛ ولی شش قسمت آن مخصوصاً (برگان، زنان و دهقانان)، از کلیه حقوق انسانی زمان خود محروم بودند. ارسٹو پرسجسته ترین فیلسوف دموکراسی برده داری، گفت: "برده عایتین این ازار است." این سخن ارسٹو بیانگر این حقیقت است: که در نظام های مبتنی بر طبقات نظام و مظلوم، مفهوم حکومت مردم، بر مردم، چقدر کاذب و میانه است. دقیقاً دموکراسی نظام سرمایه داری همان دموکراسی جهان باستان نیست؛ ولی باز هم، این دموکراسی مردن در عمل با معنا و تفسیر خود: حکومت مردم، بر مردم، در کلیه کشورهای سرمایه داری، در تضاد است؛ مثلاً اگر همن حکومت انتخابی یعنی ساله انتخابی کریزی را مورد مطالعه قرار دهیم، در قانون، بطور نمونه قانون اساسی، ظاهراً به همه شهروندان افغانستان حق بقیه ص ۳

## وضعیت فعلی و آینده طبقه کارگر در افغانستان

**مقدمه:** در اوضاع فعلی، طبقه کارگر افغانستان طبقه ایست اینتر، پراکنده، بیکار و از چشم افتاده، برخی از جامعه شناسان افغانستانی، حتی آناییکه سنگ دفاع از طبقه کارگر را گاه گاهی بر سینه میزندن، بنابر عدم درک شان از مفهوم کارگر، از حضور این طبقه در جامعه افغانستان انکار اند؛ از نگاه اینان - که در واقع پشت کردن به طبقه کارگر است - در سه دهه جنگ، طبقه کارگر در افغانستان منحیت یک طبقه منحل شده است. ولی دید ما بر عکس دید این کوتاه بیان است: از نظر ما طی نیم قرن اخیر، مخصوصاً طی هشت سال نزدیک به ما، طبقه کارگر در افغانستان نه تنها حضور داشته، که رشد نیز نموده است. از همین‌دو، مشکل کنونی بیکاری کارگران در افغانستان جدا مطرح شده، بیک مغضبل بزرگ ملی بدل شده است؛ محتنی که دولت جمهوری اسلامی افغانستان با کلیه مذاهان بین المللی اش در حل این مشکل بیچاره شده، فاقد پلان و راه بیرون رفت این مشکل است. ما در رابطه با وضعیت فعلی و آینده طبقه کارگر افغانستان، مکث هایی داریم در سه نکته: اول - افت و خیز طبقه کارگر در سه دهه اخیر، دوم - عالی بیکاری کنونی کارگران، سوم - آینده این طبقه در افغانستان.

### اول - افت و خیز:

در کلیه جنگها، چه جنگ عادلانه که بنابر منافع اکثریت اغاز میگردد، چه جنگهای غیر عادلانه که بنابر نفع اکلیت استنگار صورت میگزند، بایزیگران اساسی و پاشنه اشیل جنگ ها، انسان بوده است. ازینرو، در جنگ های افغانستان نیز بایزیگر اصلی انسان بوده؛ انسانی که خود و زیست اجتماعی اش، دایماً در حالت تحول قرار دارد.



تاریخ ما، یاد داشتی در حافظه ندارد، که در این سرزمین چه زمانی انسان از خود بیگانه شد و حق انسانی بشر چه زمانی برای اولین بار به قتل رسید؛ زیرا، آنچه ما زیر عنوان تاریخ میخوانیم و شش و نیم میلیون جوان و نازه جوان برای آموختن آن روزانه چار زانو میزند، افسانه پادشاهان، نخبگان و قهرمانان است؛ نه تاریخ سازگان تاریخ، یعنی تاریخ تولید و مبارله. ولی بهر حال، حداقل یک هزار شاهد شهادت است که از مدت ها بینشو، این سرزمین گورستان عدالت و سرزمین متویان آشامیدن خون و استبداد است. صفات "کارگر" که بمن اجازه نمیدهد تا برگهای بیشتری از همین "تاریخ" موجود را ورق بزنم؛



بقیه ص ۴

## آزاد بازارکه قانونی غلا او در غلی

د طالبانو د حکومت د راپر خیدو او د "نریوالی تولنی" لخوا په افغانستان کي د واکنی جوریدو راهیسي د آزاد بازار د پلویانو او مخالنیو تر منخ د آزاد بازار په هکله تل تاوه بختونه او غیرگونونه دوام لري. که خه هم د آزاد بازار سیاست لکه د لویدیخی نری واکنن د نورو ارزښتوو به خبر برته د افغانستان د اکترتو پیوزن او زیارکناؤ د ارتیاو خنده د یو لر قوایانی شوکه دیغی کر غیرنی نابلی بیهی خنی افغانی روزل شوی او غورانی مل افغانی شوکه دیغی کر غیرنی "هم یو ناخاپی ددگی کر غیرنی او د زیارکناؤ د وژونکی سیاست خنده د دفاع متی راونغلری او کوکی بی پیل کری. د لویدیخی نری لخوا د آزاد بازار سیاست په افغانستان کی لومړی نر بیده بیده پو سیاسی او ایدیولوژیک غرگون دی او اقتصادي ارخ بی په دوهمه کجه اهمیت لري. دغه د کارگرانو او زیارکناؤ ضد سیاست په افغانستان کی پوځانګري حساسیت او دینمنی سره مل دی چې عاملین بی دی ته م چمتو نه دی چې د "کارگر" کله په قوانینو، لیکنو او وبناؤ کي دکر کری بلکي د هغوي پرخای د "کارکن"، "کارکان" او "مامورینو" کلمي پکار وری. آزاد بازار او د خصوصی کولو لري د پانګولی نظام د روستی کجي اصلی او پنسټزی په چوړوی ترڅو په دی بیهی کي پانګه د هر مهان په پرتله لا سره راټوله او مترکزه شی او په پایله کي پیوزنی او زیارکنان لا بمرغه، بیوزنی او فیرشی او بدايان لایسی بدای او د پانګوالي له احظه لاء نور وېسری.

د تاریخي لحظه ازاد بازار او د تولید او تجارت ازadi اند چې دنوي کلاسیک اقتصادی مکتب پلویانو له نوری پی پلوی کیده د فیدالی نظامونو او دولتونو د سترو انصصار او د تولید پرمختگ په وراندی د خندونو په مقابله کي په اتفاقی بیدی کي رامنځ ته شو.

بقیه ص ۲

این وضع در حدود ۲۰ سال ادامه یافت؛ پس از خروج ارتش اتحاد شوروی از افغانستان و بعد سلطنت امارات اسلامی طالبان و امن نظارتیان مکتر از ۴۰ کم و بیش از چهل هزار خاکتیر دولت کریزی، این نیروهای خارجی باقی ماندند و این بیش از چهل هزار خوش، از حاظن استماری عتمد تجزیه شده، لایه فوکانی شان منم بورزوایی بزرگ، لایه توپتو ان منم خرده بورزوایی و لایه اخیر این بر طبقه کارکر ریخت. در همین ریف، طی سالیانه اخیر آنچه بر سر نیروهای منم سلحنت نظمی ها و احزاب مختلف دولت کرد (تجزیه)، در مردم احراز خلأ - پرچم و پیغام تضاد این ها، نیز با تفاوتی های معین صدق که پیوسته بطرور نمونه؛ افغان DDR شد قسمتی از این پرسه را تمقبل بینمیانند که پیوسته بخارخور پست اوردن حقوق و مناصب گشته شان دست به ظرفات بینزند.

نمایندگان از تحوالت نکر شده که بخشی از جامعه افغانستان را اختروا مینمایند، اثرات ۳ دهه جنگ، خشک سالیانه متوالی، بایر مادن صدها هزار هکتار زمین، خشک و سوخته شدن باغها، سقوط صنعت دستی و مانوآفکتوری در شهرها و روستاهای، و تبدیل شدن افغانستان به مرکبک چاهیان، مخصوصاً برای کشورهای همچو روسیه، سندم دیدن کیفیت کالاهای میادله دنیا؛ در هفدهان و بازارگران؛ ظریغ برنج، گندم، خود، ماش، گوشت خشک و تازه، و انسانی و نظریابش در روابط با کالاهای وارداتی، بوریزه از ایکستان، ایران و اسیای میانه؛ تولید منکی به محل و روستا را که در نظام های شاهنشاهی، جمهوری و اسلاملادات بزرگ ایجاد شده بود، دسته ایمنیه دارد؛ اتحاد شوروی سابق (جهوهری دور از کنکن خلق)، ضربیات چند بیده بود، پیشتر از پیش خوش ساخته و روکشتنگی اش اثکار نایبرین گردید. در این تحول تعداد کندری از خانوارهای فیودال که فرمیت زمین منحیت اساترین و سیله تولید و وسیله استمنشانشان بود، از این قبیل و قیمت بایار مادن و با در چریان جنگ در دست این نیروهای های خارجی افتاد. این اسماں فیودال ایانکی خود در تنظیمهای احزاب مسلحت شدند و شکلی کنار ازدene بودند، ضربیات شدیدی را تمحمل شده به طبقات و افسار دیگر تجزیه شدند. با روکشته شدن اقتصاد محلی، سقوط صنعت دستی و کم شدن ارزش زمین - مخصوصاً در روسنا - و تقلیل صدها هزار دهقان که زمین، از زمین هایشان کنده شده با جمعی از بیداران؛ در این روند روسنایی بیکار از پیش خوش بود. این تحوالت روسناها را بسوی شهرا ترقیت کنند؛ یعنی به ارتکار کارگران بیکار پیوستند.

بیداد داشته بشیم که؛ در کنار این تحوالت روسنا، شهرهای افغانستان نیز دچار تحوالت شدند: یعنی با وارد شدن کلانهای خارجی از یکطرف و حاد نیز تضاد بین پسرخواه شهروی و شهروی بزرگ دیدند؛ ولی طبقات بورزوایی متواسط و خوده باقی حفظ خویش، لاغر شده، تعدادی از اینها از سوابل کار خوبی خلیع بد شده به طبقه کارگر روز اوردن؛ برخیها بیویزه از متوسط، پسی بورزوایی بزرگ

ازاد بازار...

وضعیت فعلی ...

(۱) پیامد متفق - جنگ بر اقتصاد کشور: در سالات صنعت، زراعت و تجارت اقتصادی کشور را کنست و معیوب ساخت؛ جنگ بیش از ۶ میلیون انسان این کار را به مهاجرات، پناهندگی و غیره کرد؛ جنگ در میان ایلکان افغانستان مخصوصاً در خواستهای خرافات فرهنگی را فربین نمود؛ جنگ درب مکاتب را سست و به همراه ایجاد کرد؛ جنگ این زمینه را برای مردان مهیا ساخت که کله‌های بزرگی از زنان بیش از بیش زیر سوسایر مدام محکوم و مجاهد شوند؛ جنگ دو سیاست را جوانان را از اعزام علوم و سعادت محروم ساخت؛ جنگ این میان ایلکان افغانستان را به تحریک از شیرازهای میدل ساخت؛ جنگ ایجاد کرد؛ جنگ در افغانستان شیوه اخلاقی و کوک ریاضی را در افغانستان نمود؛ جنگ فرهنگ ترور، خطف و کشتن را در افغانستان شیوه داد.

دقیقاً، طرف تغیرکارانه نگار، در کار سایر پلیدی‌های خود، طبقه کارکرک را که در نام قل از جنگ در سرتی صنایع، تجارت، خدمات اجتماعی، ساختمان و زراعت نسبتاً رشد باقی بود، نیز به افت مواجه ساخت؛ زیرینه ها و نایابی کار تغیری کردند؛ در اثر این تغیریات و نایابی این افراد نهاده شده، از یک طرف کارگران ماهر و حرفی از صنایع ایان را بر پرورش می‌کنند و از طرف دیگر مهندسی و فسلی پرتاب شدند، که صدمه ای بوده است؛ جنگ کارگران را در مجموع بیکار ساخت و با مواضع نیز کشند و کارگران تغیرکارهای چنین که قل رشیدند، مخصوصاً در طرف دشمن شهروایان را ترور و کشند و نیز شرطه ای را پذیردند. پس جای تدبیدی نیست که جنگ در این میان ایلکان افغانستان را به رکود کشند؛ ولی طفه کارگران این طوریکه دوستان کابیش فکر می‌کنند، هرگز نیلاند نگردد.

(۲) پیامد حرکت جلو - ۶۰ ایلیون انسانیکه در آن جنگ از افغانستان بصورت اخراج شدند، در ۶۹ کشور چنان زندگی اختیار کردند؛ اما این زندگی چیزی نیست که این نیاز نداشته باشد؛ بجز رعایت شدن مناسبات مادی و معنوی این افراد، بامدادی تولیدی، دولت ها و افراد کشورهای میزبان با ماهیت بورژوایی هستند که در کشورهای ایران و پاکستان - بینین صورت: بخشی از این افراد و کنه های ایکل هایی بعده در افغانستان - در تجارتی مهندسی داری قرار می‌گیرند؛ این مناسبات شاه، کش، مهندسی، مشتہ، قادا، امی، ۴۵۱۱

گلگور این کلته ها و فراد قلا در نهضات ماقبل سرمایه داری قرار گشته است، در طی ۲۰ تا ۳۰ سال در منابع جدید (بورژوا) قرار گرفته، شوی غزیر شده، دیدگاه هایشان، باع خود را بر فرهنگ مسلط نموده: بگریز از روشنکردن و تجارت افغانستان گذشتند، بروزرازی خالی کردند و نمونه: بگریز از روشنکردن و تجارت افغانستان آمده اند، اگر همین ۵ میلیون افغان عادی را که از ایران و پاکستان برگشت نموده اند، مردم مطلعه قرار گرفتند: بدین معنا: با قیه اینکه تعادی در روشنها و فعالیت های گذشته خود برگشته استند، اولی ایکنار گذشتند - اگر دهقان های بو زندن - بگار آهن سرو را داشته اند. تباهیست بینشتر از این معنیت در شهرها سکنا کنگرید به اشتغالیات چون: تجارت، هوتل داری، دست فروشی، تکاری اسخاچه ایانها، ایجاد نهادهای مدنی، تکسی رانی، کارکرده و نظاریان پرداختند؛ همچنان که اینکه بتوان از فعالیتی که زندگی عیین این افراد و کلان است.

اضافه بر تحول فرق، چنگ در سه تا چهار سال آغاز شد، نسبت عوامل اقتصادی که مکاری کشورهای سرمایه داری غرب بر مبنای مقاله ایکنار دارد: دولتی سیاست، چون اتحاد شوریو از زمان - زمینه پیچ شدن صدها انسان ها از احاطه سیاسی و نظامی، در نظریه ای احزاب و سازمان ها که برخاسته ساختند شدند در نظریه ای طبقات و اشخاص متفاوت چاهه بو زندن، در واقع از فعالیت های گذشته شان که اینکه شده شدند در منابع جدید، چون: جنگن، تشکیل گروه های مسلح، دفاع اسلامی و نظامی از شیوه های مرتبه، خرد و فروش سلاح، روابط ای امنیتی های اسلامیات یانی، کسب صلح ای اجریه، زندانی و محکمه کردن انسان ها، از اخذ شتر و ذکاء، ایجاد اندونه ای تقدیم، شرکت در تجارت، غصه زمین های این اقتصادی ای تقدیم به هوش های دیرینه و نظریان پرداختند: قرار گرفتند. این اعضا این کروه های مسلح بیکار مکاف نیوند که این، غذا و اسپر ضروریات خود و خواره خود را از طرق کار و تولید مهیا سازند.

د ازادر تجارت او ازاد تولیدی رقابت په باره کي بحوثونه د نکلستان د نکره افغانستانو هاوه که ادام اسمیت او بوده روکاردو خداو دند او دند فوالي مسندتو نظامنو و پر اندی و پر مختارلي اتنی تز کريديانه سی او له همدي وجهي در مردم شاهروند فليسوس او افغانستانو کارل مارکس چون جي به خيله د خصوصي مالکت او پانگولاني نظام مختلف و د هغوي نظرسي بي پرخاري ګلاني، ده ډانګولاني نظام د موړه روپختن، خورشو دنځون ګډو د خده وروښنه په یووښني پېړي کي پياده زمه زور سیاست او اند خڅه پلوي کول او همه اړجا کول د ملي او زړیکارو نړو او زړبارکانو او کارکن او پیوزلو خلکو سره پېکاره دېمني او تربیکتني خده بهله معنا له اړي.

## یہ نریوال کیدنے کی خصوصی کوں

د "خصوصي کولو" پاليسي د " ملي کولو" پاليسي مخالف قطب جوروسي. به داسی حال کي چي په اصطلاح ملي پاکتوکي دولتونه لکه د ملي فیووالی دولتونه به بيرن کي خانه طبقاني بهن عگره کي او به تولون مللي شتموني باشيدي بي خذنه اچولي او به دي توکه د كارکارا او زيارتکنانو نتشن به توکيد، توکيد وشك، کي الکاتي او رهبي کي له یاهه رغور خلوسي بو به طبعي دوک لکه فيووالی نظامونو غوندي ارتاجي نشق لوپوي او د توکني د سوكالي او درېخک خذ خوش.

به پاکتوکي نظامونو کي د ملي شتموني او بنتشونو شتون د طبقاتي ماھيت له خخن په بوجه توپيز سره د خصوصي شتموني مشمولون لري. تو په هدي داين د نه دير ملي پاکتوکي نظامونه هه روسته ده ېرخنځ څخه ده غړي ره افون او ناورپریونو سره مخانګه شوښي، په خانګنځ توکه ده همي نزريوالو چکري وړوسته د اقتصادي په باغونه په موخي پاکتوکو دولتونو خيل ره غنده نتشن ولوپاو او د دولتونه دا خاله په توکيد، بازار او تجارت کي سترني بزرايو په برخه کري خو په خپل هوډونو کي د دولتونو وروښتو ناكاميو دا اغږد وکړلله چې شنای د خلفانه اقتصادي پرمختګ او بیار غونی په موخه پايده د دولتونو نشق لړو شني او خصوصي برخى، خاخنائي او د بې پاڼي توکونې ازادي هه واکي وسیلار شن.

په بشپړ باړو ولادي توچ چي (DPI پروپریوال صندوق)، نزريوال باښک او نزريوال سوداکریز سازمان بنسټ د نزريوال ازد بازار او نزريوالی خصوصي کيدينې به ملاتر او کيږي په اقتصادي برخو کي د دولتونو نشق لړونې په موخي کيږي په بشپړ شو.

دن رخ نوموره پېښتونه لکه د درونکو بیوکانو بشان د نري په توکو " ملي او "پېلاکه" دولتونه بادي وکنې کوي او خلني زېبیناکي پاليسى پري تې. دغه ستر اقتصادي پېښتونه ده ملي ګوښتونه، پولو او استقلال پېژنۍ او ده ملي په دوزير خپل شرطې پېښتونه او د خانګرکو شرطونه توهه په ملنړونه کوي. ګلوبالېړښتن پا نزريوال کيدهنې ده اقتصادي ده نظام ده روستي ټولو تر ستره پياکه چوروسي چي په بېړر کي لوي پاکتوک او د هموي ستر ملاتر کونکي له IMF، WB، WTO د خيلو اقتصادي، ملي او ملي سیاسي کنو په موخي د خلاني پاڼي اجوښو او لوټوني سیمې پراړونه او د هيلو خانګر و پاليسوپوړه اچاري پاکو کولو سره په بیزولی او روسته پاڼي دولتونه او هیدروګرافونه خلني ولکي کي نسي، که خه د سرمداړونه ده ټولونه او رنګنک او بالآخره د نري په بونستکاري بدایلډ په ظاهر کي د نزريوال ملت کيدينې او توپنځن کيدهنې لري خو په ماہينه کي خيل طفاني، د خصوصي مالکيت برلاپسي او د پاڼي کي جو خوختندي پرته بل بیعته نه لري.

دن نزريوال پکنې پراختن اوسه پوري د پېښتې د هقره پرته پنهان او پېکاري، کي کور، چکري او تاوتریخواли، کدوالي او انساني قاچاق، فحش، فساد او جرام، د دولتونه لخواړ پېښري مغونه تر پيشن لاندې کول او بالآخره روانې او جسمی هر رنګو غیو خله په لابه په اړښه اوارونه نه لري.

نو په ده اساد د همه ده نزريوال کيدهنې په سن کي خصوصي کيدينې په بيري سره جريان لري، د دريمې نري توکل او کوچني هیدونه مهبور دي چې د نوموره نزريوال اقتصادي پېښتونه ده شوړي پاليسو په اساد خپل توکل ده توکل او ملي شرکتونه، ده صدسي

کانۍ، زیرمي او پاڼي خصوصي کري او د دولت له ولکي خنه پي بهر کري، نو په دي توکه به له یوه خدا لان پېخو دولتونه د اقتصادي او سیاسي وکنې تغزرا راند شن او له بلې خوا به بازار ازادي په نوم خپل توکيدې توک او پاڼي اچونجي مارکېت تر لامه کولو ترڅنځ د خپل پاڼو ره

از آن راه از آن راه افغانستان ک

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت د لسمی مادی له مخې د ازد سازار نظام مني او په دی ترکه په قانوني دول د دولت او حکومت لاسونهه به بازار کي منع کوي . اساسی قانون د همدي مادی به دابینې سره مقابلي بېړنوي او کورنۍ پانګوکو متن راپوهلي تر خود بازار وکي په خپل لاس کې واخلي او ورسنه ورسنه دولتي فعال او نيمه فعال شرکتونه او تصسيحيکاري له دولت خپه به از زړنه قېټت وختلي .

خېږندنه چې پوهېږو او شرکتونه او بنسټونو کي د "کار او کارکر قانون" تر پور بريده رعایت کيدو او د کارکرانو او په تولیزه ترکه د دعام وکړو په کنه و خوښ ځاصوصي شرکتونه ، تصدی او بنسټونه واخني پلټو تکتوهه زړمن د اړدار کارکرانو او تولیزه په روانشي هیڅ معمولیت په غلړه هه اهلی، که همه مخې ځينې اقتصاد یوهان د افغانستان په اوښني اقتصادي نظام او بازار کي ګډو دي، فساد، رغله، لوړي بېي او بالاخره د دعام وکړو زیمانن کېدل د ازاد بازار او ځاصوصي ګډنې عبې نه کېي بلکې هغه د خېښو ګسنان او ټولو ټالو، ځامالو او ناوره چاند پوری تری، اما حقیقت دادی چې ده اقتصادي نظام او پالپی پوهاخې د تړو په شپږ پاڼوکو او ماقبلي او ټولو په چېږي کي دي او پن. نړيولهه چه دده نظام او پالپی شرمونکي ناکامي او پېکارهه توب پنه بیلهکه نړيولهه وروستني اقتصادي بحران دي چې په ۲۰۰۴ کل کل که امریکا خڅه پلې بیا تر اړو، جایان او استراتژیا پورې وغذې او په ټولو کې په ملنوونو کارکرانو خپل نندې له لامه ورکړي او د فرق او پېښتې تېز کي ټولو شول .

هه افغانستان کي د ځاصوصي کونۍ پروسې به ترڅ کي تر او سه ۲۰ زورو

بازار گرم انتخابات ...

## وضعیت فعلی ...

(نمودگاری) سرچ چ وارد افغانستان شده، وقتی باز مشیود، به نسبت خاک و دود شهر کال که مغز پر نبود! کاندیدان محترم را نیز دود ساخته، شکل کاملاً کیک را بخود گرفته و در اذان مردم ایجاد کرده است؛ اما این تشویش تنها این نیست که در این وقت در جنگ کاندیدای ریاست جمهوری چه عجایبی خواهد شد، تشویش اساسی اینجاست که این محترمین چگونه این ده هزار کارت را جمع‌آوری کرند؟ و این ده هزار مالک کارت در قرار دارند، که با کارت دست داشته خود نه یک کاندیدای ریاست جمهوری که به یک کمیدی اختیار بخشیده اند!



از "خنده بازار" مناظره ای که بگذیریم، دموکراسی بورژوازی در بازار گرم انتخابات، تراژدی ایرا نیز به نمایش گذاشته است. در این تراژدی از یکطرف خصیت ها و گروه های سیاسی بورژوازی اهل را تمثیل مینمایند که تا کدام حد قوه باز، منتقهر، متعصب، عامله گر، فرستنده طبل، کوته بین و انسان دوستان کاذب اند؛ از طرف دیگر این را نیز واضح ساخته است که این بازیگران تا کدام حد حیلزنگ و عوام فریب اند؛ که سعید همه شعبده بازان هندی را راز پشت سپته اند، اینان وقتی درست شرق و جنوب کشور، روی صحنه میآینند (کمایان) میباشد، چادر روی شانه و هسکه شمله برسراند؛ اینجا بحث و ستایش دیگر از رسوم و شهکاریهای ملت خاص است؛ اگر در شمال ظاهر می شوند، با چین و پیراهن تنبان مکیاز اند؛ اینجا دیگر بحث از وصف تاجک و ازبک است؛ و اگر در کابل ظاهر میشوند با نکنلی و دریشی بزک اند. اگر در جلسات مردان کنک به دهد میارند، زن دیگر همان "عاجزه"، "سیاه سر" و کالا؛ صحت است که مرد همان قهرمان معکروه؛ و اگر در جلسات زنان روی صحنه میباشد، با به عاریت گرفتن چند کلمه از ابیات جامعه مندی اینجا دیگر حقوق زن و مرد مساوی است و اینها قهرمانان مدافعان حقوق زن اند!

سخن کوتاه: کلیه تلاشها، بزرگ شدن ها، شعبده بازی ها، اتهام بستن ها و روی آب کردن مفاسد همیگر فرزندان بورژوازی که تمازه بیدار نمیرین آمده اند؛ این را بیان مینماید، که این مردم داغ دیده، سوکگار، کرسنے، فاقد سعادت و محکوم به مرگ تدریجی را چوچگونه اغفال نمایند، مردمیکه هنوز بجای حوان بار بیکشند، خواهیگاه شان سنکلار خ و دستارخوانشان کلافات زیاله هاست. براي این شاگردان صدیق ملکاول، انگار هیچ چیز روش ندارد؛ جز سود پیشتر بمنیند به قدرت سیاسی، توسعه سرمایه و دست پیاپی به سود پیشتر

اما سوال اساسی این است که با انتخاب شدن ریس جمهور جدید و شکل گرفتن دولت تازه، در زندگی طبقاتی ان ینه نوز و این انسان‌ها افتدانه بروی ریگ و منگه، تغییر مثبتی رخ داده داد؟ بنا به اصل اقتصادی‌الملوکی که می‌گویند: «همه کلاعه های سیاه اند» دولت به اصطلاح انتخاب جدید، اثر مشتبی بر زندگی طبقه کارگر و سایر خدمتکنندگان خواهد داشت. زیرا دولت جدید نظری سلف خود کهیته ای خواهد بود در خدمت توسعه و حفاظت نظام سرمایه داری، نه در خدمت طبقات و اقتدار محروم جامعه.

پس این کمالاً به سطح اگاهی و درجه تشکل طبقه کارگر و همه

سنتکسان بیدار نعلی میگردید که چونه مبارزات خود را برای کسب حقوق و خواسته های شیشان سازمان داده، مطالبات و نیازمندیهای تازه ای را مطرح ساخته، و جنبش های کارگری را در جهت رسیدن به اهداف صنفی خویش رهبری خواهند کرد. ●

زندگی، حق صحت، حق آموزش، حق بیان، حق رای، حق انتخاب، حق کسب اطلاعات، حق سفر، حق تجارت، حق سکونت، حق مشارک سیاسی، حق محرمیت منزل و مکتبه، حق دفاع در محاکم، حق مالکیت و نظارت، داده شده است.

ولی در عمل نبیده شد، که ممه طبقات و اقسام فرونشت جامعه  
اماًنند: طبقه کارگر، طبقه دهقان، خرد روشنان، کسبه کاران،  
معلمان و قشر زن، از این بند های قانون هرگز بهره ای نبرند. از  
این قوانین "زیبا" و "دموکراسی با دیدی، خط طبقه مکامه" (خواران  
بزرگ، جرال انارت، مقامات بدنده باشه دولت، تندگ داران، مافیاها  
زمین، مافیا تراپیک، فاچاقیان انسان و آثایله که اوقام را در گرو  
دارند، برند) که در جمیعت ۲۸ ملیونی افغانستان یک اقلیت  
کوچک را سیاستنده در مقابل این اقلیت کوچک، اکثریت عظیمی از  
مردم، یعنی: گرسنگان همچنان کرسنه، بی سرینهان همچنان بی  
سرینهاده، کارگران بیکاران همچنان بیکار، گذایان همچنان گدا،  
بیمیاران همچنان بیمار و زنان و کودکان همچنان زیر تجاوز و ستم  
آفای مانند.

اکتوبر کو میں عبور حکومت مسکو کی سی پیچے نہیں تھام سرمایہ داری  
در افغانستان پیاں رہیں، این نظم برای ادامہ جیش میخواهد  
ارابی تباہ و یا ہمین ارباب شناختہ شد را باریگر برکسی  
بشنیدن، ازینرو طبقہ سرمایہ دار در سراسر افغانستان غولی  
(کپیاں) راہ انداخته، سرمایہ بچہ ہائی دل بند خود را بنیر رسم  
حال و پار، با (ستار، پکول، سراج، قفر قلی، چین، پتو، دریشی،  
بیران تباہ، بارش و بی ریش) اریش دادہ چہرہ ہیشان را  
بریزرس چارسوها، کنار جادہ، بردیوارہا، بر تختہ ہائی سمنتی،  
برپایہ ہائی برق، بر تنہ درخان، بر تابلوہای بزرگ و شیشه ہائی  
سنواتیں طبقہ تجمع کارکران، در هوٹل ہا  
سنواترانت، با اکتھ ہائی اربابی و اقتدار گیانہ، بیمانیش گذاشته  
است. نظام سرمایہ داری کے خیلی ہا، از حقوق مساوی زن و  
مرد میلاڈ، و در این مورد هر آن قوانین ملی و بین المللی خود را  
کنکان میدھ، چہرہ ہائی وہ خانم بیز در این نمائیشات پچشم میخورند؛  
ترکی ہمان سانیک، سال تکو را از بھارش پیدا است؛ در این بورس  
سرمایہ سیاست کے ہم سفہتے بازاریں مردان اند؛ ھجج «اجڑہ» و «سیاہ  
سری» راء در رسیدن برقچوکی ریاست جمهوری، راہ نیست. از  
بنیندو، به نمائیش امند چہرہ وہ کامن در جامعہ پشت مدرسالا  
افغانستان، در واقع یک نمائیش دیگر این دمکراتی بی سرو دم  
اظہار سرمایہ داری است.



باری، بساط نمایش دمکراتی اسلامی سیستم سرمایه داری نتھا بروی خوبیابان ها و چارسوها، گسترد است، که تور رسانه های چاپی و صوتی و تصویری این نظام نیز بیشتر از پیش داغ است؛ در رسانه ها، "عقل کل" ها ("کارشناسان" و "قهرمانان" حث و جمل که هر یک خود را افلاکن زمان میگواند، در فاعل از منابع عقلی و اخور نمایش بر جانب مقابل پیچ کنیده، سور توچ سرخ مینابند. شخصیت های اصلی (کاتبین) این نمایشی نظام سرمایه داری، برهمدیگر انتقام را از بزرگین میاندازند. برخی از این شخصیت ها با تمام "زیرکی" - در واقع غلامی - میگوشند تا از طرق خود را با آرکستر اصلی این ساز و آواز ("اویاما") ترزیب شان دهد؛ و این گویا احظریست برای رأی دهنگان این معلم محکوم و محروم، که هوشدار! اینجانب بیشتر از همه، با این "زونوس" روی زمین نزدیک است. رسانه های تصویری گاه گاهی از هفت روز گذشتند و نمایش میگذرند؛ و قیچی دایرکتور یا به اصطلاح "مناظر" و مباحث، منابع عقل این کادنیادی های حرتم را به کاوش میگردند، نتھا شهر و دنان افغانستان، که مشاهدین جهان بیز انشست. حیرت به دننان میگردد؛ که اینه ریسی جمهور! که اگر خدا بخواهد بیر مرک قدرت سوار گردد، بجای گرسنگی و فساد دولتی، نان و حاکمیت قانون خواهد بارید! اری این نمایش مقابلوی و جدلی (منظاره) که بشکل شسته و روفه در بسته های مکتف بورژوازی

عقب زیرا، اکنون اگر کسانی بخواهند پای خود را در کالیه سکتورهای جامعه، طبقه کارکر حضور داشته باشند که این تراکم از همین مسئله پیگرایست که از سرما برای کشور به بیرون جهیده گاهی بشکل سوختن در کاتنیرها و گاهی بشکل غرق شدن گفتگی هایش در ابخار، به نهایت در میاند.

دوم - علل بیکاری کارگران

بدون شک، در کشورهای بزرگ سرمایه داری، یکی از علیحده بیکارگان، امنیت بحران یا اقتصادی است که هر چند سال برخ میدهد؛ نظیر تراکم کالاهای تولید شده، سقوط توان اقتصادی، عدم پرداخت حق وضویت و کار، و...؛ و در افغانستان برابر با بیکارگان از نوع کشورهای بزرگ کاپیتالیستی نیست. همانسانی که در پندتی فرق این مقاله اشارتی صورت گرفته است، در این کشور، اقتصاد منکی محل حمل شکسته شد، سرمایه‌نقدی در داخل کشور نزد افراد و گروه های معین تراکم یافته، اکثرآ در تجارت احصاری (نفت، گاز، مواد تعمیراتی و ایجاد ساختمندی) بکار افتد. از جانب دیگر، سرمایه‌هایی نیز در وجود وسائل جنگی و کالاهای صرفه مصرفی وارد افغانستان شد؛ بناءً این کشور عمدتاً وضعیت یک بازار را که جمعیت ۲۸ میلیونی اساساً بیک جمعیت

و زندگانی مایه باشد.

حال، اگر بر پر نامه کاری دولت - مهم نیست کدام چهار مکمل شده اختبارات کنونی از باب ایندیه افغانستان میشود - و برنامه کاری سرمایه های خارجی از ساختهای صرفه ای دخانی و پروره های کوچک اقتصادی، به ساختهای اقتصادی پایه ای و توسعیدی، نظری: مدیریته شدن سکوئر رزاعت، استخراج معدن، ترمیم و اعماق آواره کاری میشوند؛ ساختهای بزرگ بر قیمت روزی رو داده ها و اعمال بندی ای ایگردان، انتقال تیاب و افغانستان همچنان بازار مصری کالاهای خارجی باقی ماند؛ محصل بیکار اکارگران برق یعنی تر شده توهد های پیشتری از بیکاران به چاده ها خواهند ریخت و پیر قیمتی برای دریافت کار از شکنور راه خارج از اندیه شد.

سوم - ایندہ طبقہ کارگر

ار مطلاعه متن فرق به این نتیجه میرسم که، از سالها قبل، در افغانستان  
دو طبقه اساسی قروون و سلطان (دهقان و ملاک)، بنابر سرنوشت تاریخی  
خویش، چای خود را به طبقات دیگر اسماً (کارگر و بوروزواری) بتدریج  
کمال کرد و یا در حال خالی از انسان است؛ با تجزیه شدن عصقوف بر طبقه  
اساسی قروون تبدیل نموده است؛ و پیضیت طبقه کارگر خدمت  
طبقه مطرود شده از کلیه طبقات، مواري با رشد طبقه سرمایه دار نیز تعغیر  
خوردید از حالت ابتدا، توهین آمیز، پراکنده، ضلیعی، غیر ماهر و غیر جدی  
پیرور آمد، در جامعه دو صفت منظم متصاد (کارگر و بوروزوار) نظری دو  
لشکر افکن نیزندگاهی سیاسی - اجتماعی، در پرای خروم خواهد شدند و آنگاه  
جنینش یعنی کارگری در وجود انجمان ها، شنیدگاهی بزرگ و اشکال دیدگر  
تشکلهای کارگری، متنه از همه ته مانند ها و خرافات جامعه؛ ظیور؛ قوم  
گر، ایجاد، تعریف، توصیفات مذهبی و تایلکی طبقات، بر دررش مستقل ساخته ایور او، دررش  
مطالبات کاملاً ماملاً مخصوص بخویش و اقتدار ملک و اقتدار محکوم را بر دوش  
خواهد داشت؛ یعنی از نام طبقه کارگر از وضعيت در خود دوند و  
وضعيت برای خود بودن در خواهد داشت که گشته شده، روی  
آن ایندیه بیترست پاقتراحت خواهد داشت که بیگانه شده، روی  
حاکمیت بر حال و اینده خویش با گامهای مبنی حرکت نماید. ●

## فراخوان

اینجا گورستان عدالت...

"انجمن اجتماعی کارگران افغانستان" پیگانه تشکل صنفی طبقه کارگر است، که برای اولین بار، در آسمان غبارآسود این کشور جنگ زده و غارت شده، بدون به وام گرفتن یک حرف از این و یا آن طبقه، نشریه مستقل خویش را بنام خود ("کارگر") انتشار میدهد. دقیقاً، مردم افغانستان و بطور خاص طبقه کارگر این کشور به ادبیات کارگری کمتر آشنایی دارد، زیرا طی نیم قرن اخیر با آنکه طبقه کارگر برآمدهای خود را داشته است؛ ولی کلیه کسانیکه از این طبقه حرفی زده و یا چیزی را انشا کرده اند، از ادبیات بورژوازی، خرافی و فاقد مرزهای مشخص طبقاتی کار گرفته اند؛ و باز، زشترا اینکه: برخیها با تردستی خاص که خصلت هر اپورتونيست است، از ادرس طبقه کارگر بجای کلمه کارگر از کلمه "کارمند" و "کارکن" استفاده کرده اند. لذا، اینان بجای اینکه ذهن طبقه کارگر را در جهت شناخت از حقوق این طبقه و جایگاه اجتماعی اش صاف نمایند، افکار این طبقه را با افکار ضد کارگری اندوخته اند.

از تقلبات فوق که بگزیریم، نظام نویای سرمایه داری افغانستان که طی نیم قرن اخیر، نظام بولنک قرون وسطایی را به زانو کشیده است؛ اکنون زمینه وسیع برای چاق ساختن ایدئولوژی خود در افغانستان دارد؛ در اوضاع کنونی افغانستان، بیشتر از ۵۰۰ رسانه چاپی، صوتی و تصویری، بدون اندکترین وقفة مشغول کار اند؛ محتواهای این نشرات از پوست تا بن استخوان، همه بورژوازی، ماقبل بورژوازی و برای کارگران طبعاً بزرده ساز و منسوم کننده اند؛ بورژوازی با در دست داشتن این همه وسائل، در حد ۲۸ میلیون شهروند این کشور را چار زانو شانده در رابطه باحقانیت و دایمی بودن سیستم بردگی مزد بگیر خویش، مشغول شستشوی مغزی است. ایدئولوگهای بورژوازی در ساحة اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ادبیات چنین تبلیغ و ترویج مینمایند، که سرنوشت "انسان آزاد"، به حاکمیت دایم العمر سرمایه - که خود چیزی نیست جز محصول خون و عرق خارج شده از مسامات کارگر - گره خورده است. اما مطلب بورژوازی از انسان آزاد معنای ندارد، جز همین آزادی تجارت، بلند رفت نرخ سود و توسعه سرمایه که حال در افغانستان چون افتاب به چشم میخورد.

بدون شک، در افغانستان کنونی طبقه بورژوا در حال رشد، از آزادی عمل برخوردار و عمر برخی از طبقات رو به افول اند؛ اما در مقابل رشد طبقه بورژوا و افول طبقات کهن، طبقه کارگر که مطرود کلیه طبقات است؛ با قید همه تلخی ها، طبقه ایست در حال رشد، که اکنون میتوان دسته هایی از این سپاه بزرگ را در بنیادهای تولیدی، در بازارهای فروش نیروی کار، در ساختمانها، در مزارع، در خدمات، تجارت و نظایریش مشاهده کرد.

ولی در صورتیکه بورژوازی همه وسائل تولید، وسائل آگاهی دهی و مطبوعات را در یک پرورسه رشد اقتصادی از سایر شهروندان ریوده و به این سلطه خویش شکل قانونی داده و از این همه امکانات با چنگ و دندان دفاع مینماید، این لشکر جوان، بزرگ؛ ولی پراکنده و خلع سلاح (طبقه کارگر) را چگونه میتوان بیدار و بسیج ساخته؛ تا جنبشی وسیع کارگری شکل گرفته، این طبقه به حقوق صنفی و انسانی خویش نایل آید؟

از دید ما، اینجا دیگر وظيفة مسوولانه کلیه نیروهای متفرق و افرادی دارای احساس انسانی است، که با تمام نیرو در کنار این طبقه مسلوب الحقوق استاده از جمله انجمن اجتماعی کارگران افغانستان را، که بنیاد مستقل و مشکل از اعضای همین اردوی فاقد وسائل و امکانات است، در میدان این مبارزه نابرابر، تتها نگذارند؛ تا باشد که نشریه "کارگر" که زبان گویا و رسانی این طبقه است، بصورت بهتر و به موقع، منتشر گردد. ●

**دوزخیان روی زمین، در انجمن صنفی خویش متحد شوید!**

صاحب امتیاز : انجمن اجتماعی کارگران افغانستان

مدیر مسؤول : الف ت ع ن (شريف)

شماره تلفون : ۰۷۹۸۵۴۴۳۳۹

ایمیل آدرس : [kargar\\_af09@yahoo.com](mailto:kargar_af09@yahoo.com)

آدرس بانکی: عزیزی بانک، اکوانت نمبر ۱۷۸۶۵ ۰۰۱۰۱۴۸۲۰

فقط اشاراتی دارم به برگ هایی از چشم بدی من و شما که تا هنوز از رایل به سراغمان نیامده است؛ تا یاد آوری محدود باشد و همه فریبایان این سلاح خانه و آن قصابان نسل انسان که تازه ساطورهای خون آسود را غلاف کرده، در سلک بودا درآمده اند. ازی، ای کارگر، ای انسان بیچ و مهره شده در مشین تولید، ای دهقان رسته چون گیاه بزمین و ای دروک مزروعه ها، ای روپتکران جاده ها و نرسهای پاشمن زخمها، ای معدنچیان فرو رفته در دل کوه ها و ای کراگران کشان روی جاده ها، ای معلمان الوده با تباش و ملازمان استاده در عقب دروازه ها، ای زنان و دوشیزگان پاکتر از همه شرستگان، ای کودکان سرخورد از زباله ها و ای مادران سوگوار چارزانو شده در جوار گورستان، ای جوانان سرخورد از کانکور این سد سر زمین حمام گرم خون نبوده مگر همین جارچیان دموکراسی امروز، همان تانک سواران استعمار انطرف امو و موشک پرایان ضد زن، ضد دموکراسی و ضد تمدن انطرف خط دیورند نیستند که حال ادعای داشتن "دم مسیح" دارند؟ مگر شما دوزخیهای روی زمین، گورهای جمعی پولیگونهای پنهانه ها، دشت لیلی، قیص آباد... را فراموش کرید؟ مگر این بازیگران بزم دموکراسی امروز همان دشتنده بستان آدمکش و اتش افزوران بر مبنای تمدن و کلخانه های شهر کابل نیستند؟ مگر همان چنگی و شل کشی برپرمنشانه بیرون، بشکل معالم سیاسی و قوم فرسخی "دموکراتیک" در نیامده اند؟

باری حمکتکنان! میگویند همه سلاخان ساطوری در آستانه دارند، بیدار شوید! شاهد صحنه های اوپرای امروز باشی، این ۴ بازیگر روی صحنه که زیر چوب ارکست دموکراسی، روی یک خشت میرقصند، هرگز به صفت و طبقه شما تعلاقی ندارند؛ دست هیچ یکی از این ها، دست پرآبله نیست؛ هیچ یکی مثل شما در چوک کوتنه سنگی و چوک سرای شمالی نیروی کار نمی فروشد؛ هیچ یکی از این ها بیل و "دستپنایی" ندارد؛ هیچ یکی از این ها سیان شما گرسنه و بی سرینه نیست؛ اکثر این ها مولودات خانزاد استنداد اند؛ لذا، هیچ یکی در فکر نان و آب شما، در فک خانه و صحت شما نیست؛ انتخابات بازار سیاست و این ها معاملگران این بازار اند. ولی بدانید که معامله بررس خون و عرق (سرمایه) که از مسامات شما پنهان است.

اری، ای کارگر! صنف و طبقه ما نسبت به هر صنف و طبقه دیگری به آزادی و نهادهای دموکراتیک نیاز ندارد؛ نظام های متجر و ضد آزادی بتفع مکن و طبقه ما نیستند، ما باتمام نیرو از آزادی و رفرم های متفرق دفاع میکنیم؛ و اما، به کارگاتوری از دموکراسی و نشستن بتدین یکنیم به پس نظر این دموکراسی سالوس و مربیده که خون الوترين چهره ها در عقب شپنهاش اند.

پس از سقوط دولت امارتی طالبان و پنهان شدن بتجاهه دموکراسی طبقه گاهمه در بازار سیاست افغانستان، من و تو مدت ۸ سال شاهد بوده ام که: چهره های ضد دموکراسی دوران جهاد گونه به چهره های پروپا قرص مدافع دموکراسی آرایش ایقتضد؛ و همه چوکی های بلند و پردرآمد را تصاحب کرند؛ این احراجه داران مندوی سیاست انتهای به اشارات ارباب تاره دم، شعار "عدالت انتقالی" و "برنامه عمل" را بلند کرند، تا زدن خاکی باشد بر جشم اشک الود کوکدان بازمانده از پدر و مادر؛ در کنار این دروغ شاخدار، شعارهای دیگری نیز انتک سینه مقامات دولت شد، چون: شعار سپردن کار به اهل کار، شعار "ازادی بیان و باورهای اجتماعی"، شعار مبارزه با فقر و بی سرینه ای، شعار مبارزه علیه مواد مخدوش، شعار مبارزه با قاچاقپیان انسان، شعار دفاع از حقوق زن، شعار دفاع از حقوق کوکدان، شعار مجازات ملکت های عادم، شعار در یافته کار بیکاران، شعار مبارزه با فساد اداری، شعار تأمین امنیت، شعار رفاه اجتماعی و...؛ ولی در عمل نتها این شعار ها پیاده شدند که سیه روزی صنف ما و صنوف همه مزد بگیران، بیشتر از سیه تیره گردید؛ فاصله بین زندگی ستمکش و ستمک بشتر عق و پهنا یافته، چنگ و دندان آنان بیشتر در گوشت و استخوان نیروهای مزد بگیر، فرو رفت.

حال ای کارگر، ای مزدور مزروعه، ای معلم، ای مأمور گرسنه! تجربه طبقه ما و صنوف شما چنان میامیز اند که: با موجودیت نظام مکنی بر منابعهای مابین فقیر و غنی، نظام فاقد امنیت جان انسان، نظام فاقد راه اجتماعی، نظام بیون بندهای اقتصادیهای ای، نظام مکنی بر ملحوظات فقیری - سمتی، نظام مملو از بیکاران، نظام مکنی بر جنایتکاران جنگی، نظام مکنی بر قاجاق زهر (مواد مخدوش)، نظام خشنایت در برایر قتل مردم بست شکر سرمایه و نظام غرق تاکلول در فساد؛ روز بد ما کارگران و دهقانان قیری، وضع اینتر شما معلمان و مأموران دون پایه، وضعیت غیر انسانی کوکدان روی زباله ها، به خواهد شد.

ممکن است: در ۲۹ اسد این یا آن ارباب، روی شانه های ما بیچارگان به مدت ۵ سال، بار دیگر لنگر اندازد؛ شورا های ولایتی و بعداً همین "پارلمان معروف" از اربابان خرد و ریز بار دیگر پرشده، با استفاده از نام من و تو، بازار عامله شان با حکومت، دست و پا زدن برای رسیدن به موتز و نمره های زمین، افزایش عماش و مستمری ها، ادامه پاید. در یک کلام برای رسیدن طبقه حاکمه با استفاده از "قانون" خود، برگرده مردم بی آب و نان، سوار خواهد بود؛ و افغانستان همنجان گورستان عدالت باقی خواهد ماند. ●

کارگر را بخواهید، کارگر را به دوستان خود برسانید؛ به کارگر مطلب بنویسید و گزارش تهیه نمایید؛ کارگر نشریه شما و پژواک زندگی شماست.

